

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختار زاده  
شهر - اسن - المان  
۲۰ اپریل ۲۰۰۹

## اختراع جدید

اختراعی کرده (ناظم) جان ما  
پیر و بُرنا ، از زن و مردان ما  
او که تحقیقات علمی ، روز و شب  
دور و بر ، بالا و از پایان ما  
هم ز گرمی و ز سردی مزاج  
پُشت و پیش و باسن و از ران ما  
از حوا و آدم و ، زان کار خیر  
بستر و از برف و از بوران ما  
گفت ! دارم یک سؤال جالبی  
کس نداده ، پاسخ پُرسان ما  
لیک میخوام که از تو بشنوم  
تا که گردد چهره ها خندان ما  
گفتمش ! سر تا به پا گوشم ، بگو  
ای که هستی ، شاعر دوران ما  
گفت ! بهر چی ، کفل های زنان  
سرد تر از باسن مردان ما

لیک ساق و زانو و ران زنان  
گرمتر باشد ز آقایان ما  
این تفاوت ، از کجا پیدا شدی  
چیست ؟ برگو ، حجت و برهان ما  
گر بفهمی ، جایزه گیری ز من  
روز و شب ، هر لحظه و هر آن ما  
گر نداری این حقیقت را قبول  
امتحانش ، باعث ایقان ما  
گفتمش ! والله ندانم این خبر  
راست میباشد ، و یا بطلان ما  
از سر لطف و کرم ، ای آشنا  
مشکلی را ، خود نما آسان ما  
گفت ! بشنو ، اختراعی کرده ام  
از کتاب و دفتر و دیوان ما  
پرسشتم را خود دهم پاسخ چنان  
تا بگویی آفرین ، بر جان ما  
اولین باری که آدم ، با حوا  
فکر پیدا کردن پنهان ما  
هر دو روی بستر برف زمین  
روی هم افتاده و ، عریان ما  
باسن و پشت حوا ، بر روی برف  
ساق و رانش در هوا ، رقصان ما  
پشت آدم ، با کفل ، سوی هوا  
ساق و زانو ، بر زمین چسبان ما  
با محبت ، تخم آدم کشته شد  
باغ وصلت ، پر گل و ریحان ما  
گرمی و سردی ، اعضای بدن  
آمدی در رگ رگ و شریان ما  
از حوا ، زن ، مرد ، از آدم گرفت

ارثِ گرم و سردی ، ابدانِ ما  
اینچنین آمد میانِ مرد و زن  
سردی و گرمی ، نامیزانِ ما  
اختراعی کردم و گفتم ترا  
تا نباشی بعد ازین حیرانِ ما  
لیک دارم از حضورت ، خواهشی  
این جدیدِ اختراع ، پنهانِ ما  
«نعمت» هرگز می نگفتی بر کسی  
صرف منظومش شدی آسانِ ما